

دکتر حسین الهی

دانشگاه مشهد

نامیبیا

سرزمین کشتار جمعی و تبعیض نژادی

نامیبیا ، نامی است که سازمان ملل متحد به آفریقای جنوب غربی با توجه به این که یکی از طوایف نژادی این سرزمین «ناما» می باشد و یا بعلت صحرای خشک نامیب در شمال غربی به آن سرزمین داده است^۱ . در سال ۱۹۶۶ سازمان ملل قیمومت و واگذاری خود را به آفریقای جنوبی در این سرزمین پایان یافته اعلام کرد و به آن کشور دستور داد که مردم را در اداره حکومت خود آزاد بگذارد، اما تا این تاریخ آفریقای جنوبی از واگذاری حکومت به مردم خودداری کرده و مصوبات سازمان ملل متحد را مورد قبول قرار نداده است.

جمعیت این سرزمین در سال ۱۹۷۸ حدود ۸۸۰۰۰۰ نفر و مساحت آن ۸۲۴۲۹۲ کیلومتر مربع است^۲ . سرزمین «خلیج وال ویس»^۳ با مساحت ۱۱۲۰ کیلومتر مربع جزء خاک نامیبیا است ولی دولت آفریقای جنوبی به علت اهمیت فوق العاده آن، این منطقه را یک سرزمین جداگانه و وابسته به آفریقای جنوبی می داند^۴ . نامیبیا از سه منطقه جداگانه جغرافیایی تشکیل شده است .

1- Nama [Hottentot]

2- A history of Africa P-499

3- Le. Nouvel observateur Atlasco 1978 P. 175

4- Walvis Bay

5- Le Kracisme Et. L'apartheid En Afrigue Australe P. 147

A : دشت مرکزی که نیمی از مساحت کشور را اشغال می کند و ریزش ترولات آسمانی حدود ۵۰ میلی متر در سال است .

B : نامیب^۶ : ناحیه ای صحرائی به ابعاد ۶۵ در ۱۳۵ کیلومتر که مقدار ریزش باران سالیانه آن ۵۰ میلی متر در سال است .

C : صحرای « کالاهاری » ناحیه شرقی بدون آب^۷ .
کشور از لحاظ اداری و تقسیمات سیاسی به دو ناحیه کاملاً مشخص تقسیم می شود :

۱- ناحیه تحت کنترل کامل مقامات انتظامی و امنیتی تحت عنوان « منطقه پلیسی »^۸ : در این بخش اروپاییها مقیمند و تعداد کمی از مردم آفریقایی نیز در آن زندگی می کنند . شهرهای مهم ، مراکز صنعتی ، معادن و سازمانهای مالی در این قسمت قرار دارند و دوسوم کشور را در بر می گیرد .

۲- ناحیه شمالی که برای سکونت آفریقاییها در نظر گرفته شده است^۹ و اکثریت سیاه پوستان در این ناحیه و در مراکز تحت عنوان « مناطق بومی » ، « وطن بومی »^{۱۰} و یا « بانتوستان »^{۱۱} زندگی می کنند .

نامیبیا از کم آبی رنج می برد . رودهایی که بطور دائم در آن جریان دارند عبارتند از : « کونن »^{۱۲} ، « اوکاوانگو »^{۱۳} و « اورانژ »^{۱۴} . رودهای داخلی کشور موسمی بوده و بعد از بارندگیهای شدید در سطح زمین جریان یافته و در اندک مدتی محو می شوند .

6- Namib

7- Le racisme Et L'Aprtheid En Afrigue Australe: P. 147

8- Police Zone

9-Tribal Zone

10- Homeland

11- Bantoustan

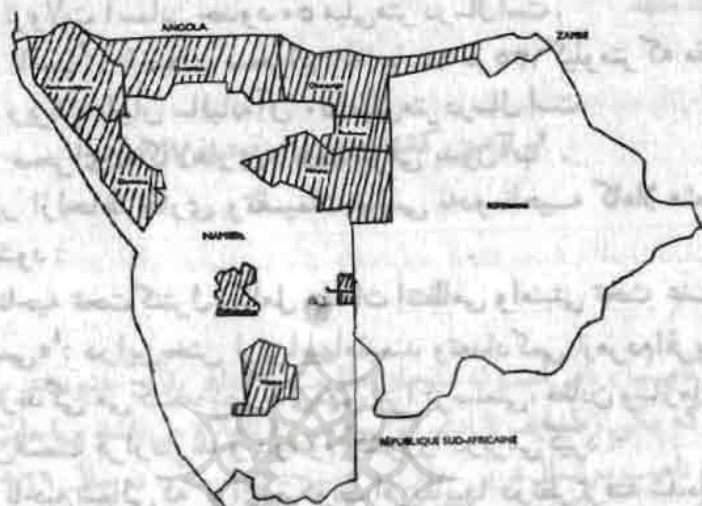
12- Kunene

13- Okavango

14- Orange

د ————— زون ————— عزم —————

مناطق بومی (بانتوستان)



Répartition des terres de Namibie

BANTO-STANS

کشور از جهت غرب دارای دومدخل است ، خلیج والویس و خلیج «لودری تر»^{۱۵} که این آخری چندان عمیق نیست. مهمترین شهرها ومراکز اقامت گروهی نامیبیا عبارتند از :

۱- ویندهوک^{۱۶} «اوتجوموئیزه» با ۸۰۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۹۷۸ که مرکز قانونی کشور نیز به حساب می آید .

۲- والویس

۳- تسومب^{۱۷}

۴- اورانگموند^{۱۸}

15- Lüderitz

16- Windhoek

17- Tsumeb

18- Oranjemund

۵- کت مانشوپ^{۱۹}

۶- او کاهندجا^{۲۰}

۷- او تجی وارونگو^{۲۱}

تمام این شهرها دارای جمعیتی کمتر از ۲۰۰۰۰ نفر می باشند که در ناحیه پلیسی واقعند و اکثر مردم آنها از مهاجرین سفید پوست است. تعداد سفید پوستان در سال ۱۹۷۸ به ۹۶۰۰۰ نفر رسیده است^{۲۲}.

افریقاییهای ساکن منطقه پلیسی در اردوگاههای جداگانه زندگی می کنند که حدود ۴۵۷ متر (۵۰۰ یارد) باشهرها و مراکز سفید پوستان فاصله دارد. نوار «کاپری وی»^{۲۳} به صورت گردن بندی است که اطراف آنرا «بتسوانا»^{۲۴}، زامبیا و رودزیا فرا گرفته است. این نوار ناحیه ای است خشک که ۳۲ کیلومتر عرض آن است و قسمت شرقی آن دارای جمعیت است. بزرگترین پایگاه نظامی - هوایی «کاتیم مولی لو»^{۲۵} افریقای جنوبی که خط دفاعی آن کشور محسوب می شود در این ناحیه قرار دارد که دایماً تحت آماج حملات پارتیزانها می باشد^{۲۶}.

وضعیت اقتصادی

تولیدات ناخالص نامیبیا تقریباً ۱۴۵ میلیون لیره استرلینگ است^{۲۷}. اما در آمد ناخالص ملی آن بیش از ۲۵ میلیون لیره استرلینگ نیست و بقیه

19- Keetmanshoop

20- Okahandja

21- Otjiwarongo

22- Le Nouvel Observateur. Atlasco 1978. P. 175

23- Caprivi

24- Botswana

25- Katime Mulilo

26- Le Racisme Et. L'apartheid En Afrigue Australe. P:148

Le Nouvel Observateur. Atlasco 1978.

۲۷ - آمار مربوط به سال ۱۹۷۸ است. ر.ک.

۵- کت مانشوپ^{۱۹}

۶- او کاهندجا^{۲۰}

۷- اوتجی وارونگو^{۲۱}

تمام این شهرها دارای جمعیتی کمتر از ۲۰۰۰۰ نفر می باشند که در ناحیه پلیسی واقعند و اکثر مردم آنها از مهاجرین سفیدپوست است. تعداد سفید پوستان در سال ۱۹۷۸ به ۹۶۰۰۰ نفر رسیده است^{۲۲}.

افریقاییهای ساکن منطقه پلیسی در اردوگاههای جداگانه زندگی می کنند که حدود ۴۵۷ متر (۵۰۰ یارد) باشهرها و مراکز سفیدپوستان فاصله دارد. نوار «کاپری وی»^{۲۳} به صورت گردن بندی است که اطراف آنرا «بتسوانا»^{۲۴}، زامبیا و رودزیا فرا گرفته است. این نوار ناحیه ای است خشک که ۳۲ کیلومتر عرض آن است و قسمت شرقی آن دارای جمعیت است. بزرگترین پایگاه نظامی - هوایی «کاتیم مولی لو»^{۲۵} افریقای جنوبی که خط دفاعی آن کشور محسوب می شود در این ناحیه قرار دارد که دائماً تحت آماج حملات پارتیزانها می باشد^{۲۶}.

وضعیت اقتصادی

تولیدات ناخالص نامیبیا تقریباً ۱۴۵ میلیون لیره استرلینگ است^{۲۷}. اما درآمد ناخالص ملی آن بیش از ۲۵ میلیون لیره استرلینگ نیست و بقیه

19- Keetmanshoop

20- Okahandja

21- Otjiwarongo

22- Le Nouvel Observateur. Atlasco 1978. P. 175

23- Caprivi

24- Botswana

25- Katime Mulilo

26- Le Racisme Et. L'apartheid En Afrigue Australe, P:148

Le Nouvel Observateur. Atlasco 1978.

۲۷- آمار مربوط به سال ۱۹۷۸ است. ر.ک.

تولیدات جزء درآمدهای افریقای جنوبی و سایر دولتهای استثمارگر محسوب می‌شود. بیش از ۳۰ درصد تجارت خارجی کشور مربوط به تولیدات معادن است. نامیبیا اولین تولیدکننده الماس بعد از افریقای جنوبی و نخستین تولیدکننده الماس صنعتی در جهان است. تولید الماس در سال ۱۹۷۵ بیش از ۱۶۰۰۰۰۰ قیراط بوده است.^{۲۸}

معادن

«شرکت معادن افریقای جنوبی»^{۲۹} دارای امتیاز ویژه‌ای بر نوار ساحلی بعوض ۹۹ و به طول ۳۲۵ کیلومتر است که هر سال از این امتیاز سود ویژه‌ای برابر ۲۵ میلیون لیره از نود درصد الماس استخراجی به دست می‌آورد. این شرکت حدود ۱۵ میلیون لیره بابت مالیات به دولت می‌پردازد. شرکت همچنین هشتاد درصد تولیدات مس، سرب، روی، کادمیوم^{۳۰}، نقره، قلع، وانادیوم^{۳۱}، بری ایوم^{۳۲} و لیتیوم^{۳۳} را بوسیله جامعه «تسومب»^{۳۴} که خارجیان در آن شرکت دارند، به دست می‌آورد.^{۳۵} در بین سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶ ارزش خام به دست آمده از فلزات استخراجی به وسیله این جامعه به ۲۵۰ میلیون لیره رسیده است.

جلب مشتری برای کار در روی معادن بدون وقفه ادامه دارد. در سال ۱۹۶۹، هشتاد و پنج امتیاز جهت چهار میلیون هکتار از ۱۲۹۰ کیلومتر

28- Favrod. Charles Henri. L'afriquenoire. P: 149

29- La Société De Beers Consolidated Mines of South Africa Limited

30- Cadmium

31- Vanadium

32- Beryllium

33- Tittium

34- Tsumed

35- Rossing

سواحل بشر کتهای مختلف وا گذار شده است. معادن اورانیوم «روسینگ»^{۳۷} نزدیک خلیج والدویس سرمایه های عظیمی را به خود اختصاص داده است. بریتانیا برای انرژی اتمی در سالهای هفتاد مبلغ ۴۵ میلیون لیره در این معادن سرمایه گذاری کرده است. نیمی از تشکیلات معادن و مراکز استخراجی آن در خارج از زمینهای افریقاییها است. معادن آهن «کائو کوولد»^{۳۸} اگرچه در مناطق بومیان است، اما مدیریت آن با سفیدپوستان می باشد و افریقاییها جزیک مزد فوق العاده اندک از این درآمدهای هنگفت به دست نمی آورند.

کشاورزی

نامیبیا، نزدیک به نیمی از تولیدات جهانی پوست «قره گل»^{۳۹} - استرخان- (الماس سیاه) را تولید می کند.^{۴۰} این پوست بعنوان یک وسیله لوکس به کار برده می شود و درآمدی بیش از ۱۲ میلیون لیره استرلینگ را هر سال از آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه، امریکا و سایر کشورهای اسکاندیناوی به دست می آورد. پوستها بطور مزایده در لندن فروخته می شود، آب و هوای خشک نامیبیا سبب ایجاد یک محیط مساعد برای پرورش این نوع گوسفندان است که تعداد آنها به ۴۶۰۰۰۰۰ رأس می رسد.^{۴۱} مراکز دامپروری و پایگاههای اصلی دامداری در دست سفیدپوستان

۳۶- جامه تسوئب در سال ۱۹۴۶ با شرکت سرمایه گذاران امریکایی مخصوصاً مورگان تحت عنوان American Metal Climax Corporation Morgans Newmont Mining Corporation شروع به کار کرد و یکی از بزرگترین شرکتهای تولیدکننده مس نقره - روی جهان است. رک : A History of Africa P. 5.6

37- Kaokoveld

38- Karakul - Caracul

39- Le Racisme Et L'apartheid En Afrique Australe. P. 150

40- Favrod, Charles. Henri: L'Afrigue: Noire. P - 140-149

است و در جنوب ویندهوک سازمانهای اصلی پرورش دام توسعه یافته است. نامیبیا هم‌چنین گوشت گاو و گوسفند به آفریقای جنوبی می‌فرستد که در آنجا به صورت کنسرو درآمد و صادر می‌شود. این کشور صادرکننده حیوانات زنده و شیر نیز هست. مراکز فروش حیوانات در «مناطق بومی» است جایی که سلامتی دامهای روستاییها مطلوب و کمتر از یک درصد حیوانات دچار امراض مختلف می‌باشند.

ماهیگیری

خلیجهای والویس و لودری تر، هر سال حدود بیست و پنج میلیون لیره تولیدات ماهی دارند کنسرو ماهی خوراکی و روغن ماهی با ارزش حجمی بیش از یک میلیون تن در سال (اساساً انواع ماهیهای ساردین، میگو، Barracuda و Morue) را شامل است. قایقهای صید ماهی تا محدوده ۱۲ مایلی پیش می‌روند و ماهیگیری حدود سه هزار نفر را به کار گرفته است و اکثر تولیدات آن به خارج صادر می‌شود.

توریسم

آفریقای جنوب غربی «نامیبیا» سرزمینی است که از جنبه‌های مختلف سیاحان و جهانگردان را به خود جلب کرده است. ماهیها سینه سفید در جنوب و حیوانات ناحیه گرمسیری و خشک در Etosha. Pan در شمال. چگونگی وضع زندگی قبایل، سیستم دامداری بومی، نکاتی است که به شدت مورد توجه است و دولت آفریقای جنوبی برای توسعه توریسم اقدامات مفصلی انجام داده است ولی به شدت گرفتن عملیات پارتیزانها استقبال چندانی از آن نشده است.

دستمزدها

حکومت آفریقای جنوبی، در ارتباط تبادلی و سیستم آپارتهید

و تبعیض نژادی، تفاوت عمیق و ژرفی بین سیاهان و سفیدها به وجود آورده است که غیر قابل قبول است. برای سیاهان زندگی در حدی امکان دارد که بتوانند برای سفیدها کار کنند و کنترل زندگی و حرکات آنها آسان باشد. مزد کارگران معاین بین ۹ تا ۲۰ پنس در روز است. کارگران مزارع که طبق قرارداد و پیمان نامه کار می کنند حدود ۶ تا ۸/۵ «راند»^{۴۱} در ماه حقوق می گیرند که غذای روزمره نیز به آن افزوده می شود.^{۴۲} مزد کارگران ساختمانی حدود ۷/۵ تا ۹ پنس در روز است و مزد هفتگی اندکی افزایش می یابد (بدون غذا و بدون مسکن) کارگران دستمزد خود را برای ارسال به خانواده های خود که از آنها دور می باشند، ذخیره می کنند. در سال ۱۹۷۱ روزنامه ها نوشتند که «کارگران تحت قراردادهای خاص در ویندهوک و نواحی اطراف آن ماهی ۵ لیره دریافت می دارند که غذا و لباس کار نیز به آنها داده می شود و هنگامی که کارگران در محل اقامت خود کار کنند. (که حالت استثنایی دارد) مزدی برابر ۲۵ لیره در ماه دریافت می دارند»^{۴۳}.

خدمات اجتماعی

حقوق بازنشستگی همانند افریقای جنوبی حدود ۷۵ پنس در ماه است. سرویس های اجتماعی در خارج از مناطق سفیدپوستان وجود ندارد. «کمسیون اودندال»^{۴۴} بیان داشته است که افریقایها همانند رنگین پوستان، احتیاج به یک کمک اجتماعی وسیع چه در داخل و چه در خارج از مناطق بومی دارند.

۴۱- Rand واحد پول افریقای جنوبی و تقریباً معادل ۵/۲ فرانک فرانسه یا ۱/۲ دلار آمریکا است:

42- Le Racisme Et L'apartheid En Africou Australe. P: 151

43- Le Racisme Et L'apartheid En Africou Australe. P: 151

44- Comission Odendaal

آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت بومیان نامیبیا بر مبنای «قانون تعلیم و تربیت بانتو» مصوب پارلمان افریقای جنوبی است که از طرف آن دولت در این سرزمین اعمال می‌گردد.^{۴۵} بررسیهای آماری نشان می‌دهد که هفت از ۷۳ نفر در مناطق بومی از مدرسه استفاده می‌کنند «در افریقای جنوبی ده از ۷۳ نفر». در مدارس کشاورزی که بوسیله سفیدپوستان به وجود آمده است تا کارگران مورد احتیاج خود را تربیت کنند این نسبت به چهار از ۷۳ نفر می‌رسد. مؤسسات آموزشی اکثراً به صورت جمعی است، اعداد و ارقام زیر که در سال ۱۹۷۳ از مجله «تعلیم و تربیت بانتو»^{۴۶} منتشره در مارس ۱۹۷۴ که در افریقای جنوبی چاپ می‌شود، گرفته شده است، مشخص کننده وضع تعلیم و تربیت در این سرزمین است.

مدارس مقدماتی ۲۴۳ باب، سیکل اول ابتدایی ۲۰ باب، سیکل دوم ابتدایی ۲۰ باب، دبیرستان دوره اول ۸ باب، دانشسرای مقدماتی ۶ باب، دانشسرای حرفه‌ای ۴ باب، مدارس ویژه ۲ باب، مؤسسات و مدارس دولتی یا خصوصی ۱۲ باب، مدارس ناحیه‌ای ۴۳ باب، مدارس کشاورزی ۴ باب، مدارس معادن صفر، مدارس صنعتی صفر، مدارس کلیسای کاتولیک صفر، سایر مؤسسات ۳۲ باب^{۴۷}

آمار نشان می‌دهد که به نسبت یک چهارم سیاهان کمتر از سفیدپوستان از آموزش و پرورش در سالهای اول بهره می‌گیرند، در حالی که نسبت سیاهان به سفیدپوستان بیش از ده برابر است. در سال ۱۹۷۲، نود و هشت ممیز هجده (۹۸/۱۸) درصد افریقاییها در مدارس ابتدایی تحصیل می‌کرده‌اند (این نسبت از تعداد کل دانش‌آموزان است) و ۷۵/۶۸ درصد از آنها

45- Ibid. P. 152

46- Bantu Education Journal

47- Ibid. P. 152, 153

- توانسته‌اند چهارسال اول مدارس را طی کنند .
- مقصود از «تعلیم و تربیت بانثو» و نتایج آن عبارت بوده است از :
- ۱- ساده کردن سلطه قانونی افریقایی جنوبی بر مدارس .
 - ۲- تحکیم قدرت وزیر امور بانثو .
 - ۳- پراکنده کردن نوع تعلیم و تربیت برای آسان کردن سلطه سفید پوستان بطوری که افراد هر قبیله قادر به آموزش در ناحیه خود نبوندند و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن در آن کاملاً مدنظر بوده .
 - ۴- برآوردن احتیاجات سفیدپوستان به افراد مورد نیاز .
 - ۵- پرداختن حق تعلیم و تربیت بوسیله خود افریقاییها .
- «اتحادیه آموزگاران ناما» و «اتحادیه آموزگاران سیاه پوست» بارها این روش تعلیم و تربیت را محکوم کرده و با آن به مقابله برخاسته‌اند .

تاریخ و مردم

نامیبیا در جنوب بوسیله مرز طبیعی «رودخانه اوراتژ» با افریقایی جنوبی همسایه است. رودخانه کونن در شمال قسمتی از مرز این کشور را با آنگولا تشکیل می‌دهد و این دوسرزمین را که دارای فرهنگی نزدیک به هم است از هم جدا می‌کند. هنگامی که پرتغالیها در سال ۱۴۸۳ این نواحی را اشغال و بنادر و مراکز تجاری خود را در آنگولا ایجاد کردند، بندرت به داخل نامیبیا نفوذ کردند .

رودخانه اوراتژ در یک سرزمین خشک جریان دارد و دارای تأثیرات مهمی در نامیبیاست. این رودخانه در قرن هجدهم، هنگامی که افریقاییها توسط مهاجران سفیدپوست هلندی که از کاپ به طرف شمال رانده شده بودند، مورد تهاجم قرار گرفتند، مرز دو کشور قرار گرفت ولی هلندیها از این مرز عبور کرده و در نامیبیا نفوذ کردند .

مرز شرقی کشور بوسیله سه خط مستقیم، (در شرق نصف النهار ۲۰

درجه) مشخص می‌شود که از سرزمین خشک ناماها «ناما گولند»^{۴۸}، صحرای کالاهاری و غرب مردابهای «اوکارانگو»^{۴۹} که مرزی طبیعی به وجود می‌آورد می‌گذرد.

در مغرب، اقیانوس اطلس قرار دارد که نمی‌توانست این کشور را از پیاده‌شدن پرتغالیها و «دزدان برده‌فروش»^{۵۰} حفاظت کند. سواحل نامیبیا در طول خود دارای تغییرات زیادی است که گاهی به طول ۱۶۰ کیلومتر در صحراهای این کشور پیش‌رفته و مناظر بدیع و دیدنی توده‌های شن و تپه‌های صدف خشک را به وجود آورده است. جایی که زندگانی حیوانات و گیاهان قابل‌دیدن و توجه است و تماشای آن را مجذوب می‌کند.

اروپاییها تا قرن نوزدهم، چیز تازه‌ای درباره نامیبیا نمی‌دانستند. تاجران و شکارچیان از مناظر بدیع و گوناگون درون این سرزمین مطالبی بازگو و از جوامع پراکنده آن صحبت می‌کردند که همانند انسانهای اولیه زندگی می‌کنند.

نامیبیا سرزمین اصلی «بوشیمن»^{۵۱}ها به حساب می‌آید که از قرن‌ها پیش در این سرزمین سکنی داشتند «پس از قرن پانزدهم و احتمالاً خیالی زودتر از آن» جمعیتی از بانتوها از مرکز و مشرق افریقا وارد این سرزمین شده در همان حالی که «کوایی کوایی»^{۵۲}ها از جنوب به این سرزمین راه یافتند. گروه‌های مهاجر راههای بسیار آسانی برای عبور به داخل این سرزمین یافتند «همان طوری که جنگجویان امروز برای نبرد با افریقای جنوبی از سهولت رفت و آمد بهره می‌گیرند» آنها در حالی که گله‌های گاو خود را جلو انداخته بودند در جنوب و غرب رودخانه کوئن پیش می‌رفتند و گروهی از آنها برای به دست آوردن مراتع به نواحی جنوبی‌تر رفتند.

48- Namaguland

49- Okawango

50- Razzias Des Negriers

51- Bochimán

52- Khoi. Khoi

این طوایف که بسمت جنوب می رفتند با کلنی نشینهای هلندی که از گاپ به این نواحی آمده بودند برخورد کردند. در سالهای ۱۸۳۰ یک رشته جنگهای کوچک بین مردم بومی مخصوصاً «هررو»^{۵۳} از تژاد بانتو که از شمال آمده بودند و ناماها «کوایی کواییها» و گروههای مختلف تژادی که از جنوب می آمدند رخداد و این همزمان است با هنگامی که اروپاییها از خلیج والویس به داخل افریقا نفوذ کرده بودند و یک نبرد وحشیانه بین آنها و بومیان به وقوع پیوست.

در حقیقت جوامع گوناگون نامیبیا قرنهای باصلح زندگی کرده و فرهنگ و روش زندگانی ای که با شرایط محیط تطبیق می کرد برای خود به وجود آورده بودند. آنها دارای دهکدههای ثابت نبودند و به علت این که گلههای آنها وابسته به آبی بود که در مناطق مختلف یافت می شد، فاچار دائماً در تغییر مکان بودند. گروههای مقتدر این مردم عبارت بودند از «اوزدونگا»^{۵۴} «او کو انیاما»^{۵۵}، ناما، هررو و «او آجی مبا»^{۵۶} که طبق عادات و سنتهای خود زندگی می کردند.

زندگی اجتماعی و عادات مذهبی و سنن این مردم برای جهانگردان و سیاحان اروپایی که به این مناطق می آمدند و با آنها برخورد می کردند قابل توجه بود. بعضی سازمانهای مذهبی و بخصوص کاتولیکها کوشش کردند که عادات و سنتهای آنها را تغییر داده و آنها را به دین مسیح در آورند. نامیبیاییها به زندگی چوپانی که جامعه ای بسته بود عادت کرده بودند. این جامعه به کشت آن مقدار زمین «مخصوصاً در شمال» می پرداخت که به آن از لحاظ تأمین مواد غذایی احتیاج داشت. آنها با آهن آشنا بوده و از آن ابزار مختلف می ساختند و تجارت هم می کردند. رؤسای خود را به عنوان

53- Herero

54- Ordonga

55- Okwanyama

56- Ovatgimba

پادشاه که با سایر گروهها اختلاف داشت و یابین آنها مانند او آمبوها در شمال و «ملت سرخ»^{۵۷} در جنوب صحرا فاصله بود می شناختند .
 میسیونرهای آلمانی در سالهای ۱۸۴۰ وارد این سرزمین شدند .
 تجارت نامیبیا در این موقع دارای اهمیت بود . حیوانات، عاج، **Guana** و مس را در مقابل احتیاجات خود داد و ستد می کردند . آلمانیها در نواحی داخلی با ناماها که بوسیله «جانگر افریکاندر»^{۵۸} و «هندریک وی بوت»^{۵۹} و هرروها که بوسیله «ساموئل ماهرورو»^{۶۰} رهبری می شد و باهم در جنگ بودند برخورد کردند . این برخورد منجر به جنگ و مداخله دولت آلمان شد^{۶۱} .

کنفرانس برلین ۱۸۸۴-۵ موجب می شود که دولتهای اروپایی افریقا را بین خود تقسیم کنند و نواحی ساحلی و سرزمینهای بین رودخانه اوراتژ در جنوب و رودخانه کونن در شمال را جزء متصرفات آلمان به حساب آورند^{۶۲} . یک جهش انجام شده توسط بیسمارک صدراعظم آلمان این نواحی را به اضافه کاپری وی به صورت مستعمرات افریقای جنوب غربی آلمان درمی آورد^{۶۳} :

آلمانیها به سرعت به اقدام می پردازند . راههای چندی ساخته و یک رشته راه آهن ایجاد می کنند ، به توسعه شهرها و مزارع می پردازند و آرام آرام به طرف نواحی شمالی، شرقی و جنوبی پیش می روند که با مخالفت شدید هرروها و ناماها روبرو می شوند .
 طاعون گاوی که از افریقای جنوبی پیش می آمد ، ۹۵ درصد دامهای

57- Nation Rouge

58- Jonker Afrikander

59- Hendrik Witboot

60- Samuel Maharero

61- Le racisme Et L'Apartheid En Afrigue Australe P-154-155

62- Cornevin R.M Histoire De L'Afrigue P: 300-301

63- Ahistory of Africa P: 500

هرروها را در سال ۱۸۹۷ از بین برد و این موجب وخیم شدن وضع اقتصادی هرروها شد. ساموئل ماهرورو برای مقابله با آلمانیها و مساعدت اقتصادی و همکاری دشمن قدیمی خود وی بسوت و سایر رؤسا را در «سرزمین او آمبو»^{۶۴} تقاضا می کند. هرروها مدت شش سال با کمک دوستان خود در مقابل آلمانیها مقاومت می کنند. در ژوئیه ۱۹۱۴ سر بازان تازه نفس آلمانی تحت فرماندهی «ژنرال وان ترونها»^{۶۵} (یکی از فرماندهان آلمانی در نبرد معروف، به بکسورها در چین در سال ۱۹۰۴) موفق می شوند که با قساوت هرچه تمامتر به انقلاب آنها خاتمه دهند.

پیش آمدهای چندی سازمان قبیلہ‌ای را دچار اغتشاش می کند. طبق نظریه «هلموت بلی»^{۶۶} باتصرف خاکهای شورشیان و گرفتن کارگر از آنها باید سازمان قبیلہ‌ای را از هم پاشید و هرروها را بزانو در آورد. طبق این پیشنهاد باقی مانده هرروها باید به خدمت سفیدپوستان در آیند. با اجرای این سیاست، آلمانیها به نتیجه رسیدند، بطوری که نه درصد افریقاییها به خدمت آلمانیها درآمدند و در سال ۱۹۱۲ از قبیلہ‌های هررو و ناما بیش از ۲۰۰ مرد باقی نمانده بود که به کار گرفته شدند.

قوانین در سرزمین نامیبیا به سرعت تغییر کرد، ازدواج مختلط و مذهبی و سنتی غدن شد. قبایل هررو و ناما، مجبور به پرداخت غرامت شدند و گروهی از آنها به صحرا و کویر رانده شده و سازمانهای اجتماعی و سنتی آنها از بین رفت و قسمت اعظم تأثیرات خود را از دست داد. کارگران حق داشتن مزرعه را نداشتند و همچنین به آنها اجازه داده نمی شد که در کارگاهها برای خود کار کنند.

استعمارگران آلمانی چنین وانمود می کردند که افریقاییها نباید علیه سروری اروپاییها بپا خیزند و به جنگ پردازند و باید به صورت

64- Ovamboland

65- Von Trotha

66- Helmut Bley

کارگران آرام و فرمانبردار در آیند و تمام منابع سرزمین آنها «هرروها و ناماها» متعلق به آلمانیهاست و سازمانهای مذهبی کاتولیک نیز قدمهای مؤثری برای استعمارگران آلمانی برداشتند.

سیاست آلمان در جنوب غربی افریقا مبتنی بر این بود که اهالی بومی به صورت یک گروه کارگری باقی بمانند و این امر باعث شد که تغییراتی به وجود آید و ساختمان اقتصادی کشور بر مبنای استخراج معادن مس و الماس پایه گذاری شود.

بعد از آخرین نبرد هرروها در «واتربرگ»^{۶۷} ژنرال فن تروتها برای ریشه کن کردن این قبیله دست به اقدام زد و چندین هزار از افراد این قبیله از «اوماهک ساندولد»^{۶۸} به داخل بتسوانا که در دست انگلستان بود رانده شدند و یا خود فرار کردند.

ناماها که حدود ۶۰ درصد مردم خود را در این کشتار جمعی از دست داده بودند بعد از آخرین نبرد در «واتربرگ»، مجدداً دست به قیام زدند و مشمول دستورات فرمانده آلمانی شدند، طبق این دستور تمام مردم قبیله ناماها همانند هرروها که در داخل سرزمین آلمان «نامیبیا» پیدا شوند، چه مسلح و چه غیر مسلح باید بی درنگ تیرباران شوند. در این سرزمین جایی برای زنان و فرزندان آنها نیز نیست. ژنرال آلمانی در دستورات خود می افزاید، آنها را شکار کنید و مساکن آنها را به آتش بکشید، این عملی است که باید درباره آنها انجام شود، نابودی کامل آنها^{۶۹}.

حکومت نظامی یک سال دیگر باقی ماند. برلین به دستورات و اقدامات ژنرال خود صحنه گذاشت در راه بوتسوانا هزاران نفر از زنان و بچه ها و مردان قبایل مردند و از گرسنگی و تشنگی از پا درآمدند آنهایی که از «اوماهک» حرکت کردند، معدودی به پایان راه رسیدند و فقط ۱۲۰۰ نفر

67- Waterberg

68- Omaheke Sandveld

69- Le racisme Et L'Apartheid En Afrigue Australe P. 158

هر رودر نامیبیا باقی ماندند. کشتار جمعی بوسیله ابزارهای گوناگون در سراسر کشور ادامه داشت. قبیله ناما نیز دچار چنین سرنوشت غم‌انگیزی شد، کشتار جمعی، ده سال آخر حکومت آلمانیها و نتایج آن را می‌توان در گزارشی که تحت عنوان

Areporton The Native of South West Africa And Their Treatment, By Germany

در کتاب آبی از طرف دولت انگلستان داده شده است مورد مطالعه قرار داد.^{۷۰} انگلستان بعد از پایان جنگ اول جهانی با توجه به تلاشهای گذشته خود موفق شد این سرزمین را تحت سلطه خود در آورد.

سلطه افریقای جنوبی

حکومت انگلستان در افریقای جنوبی بعد از مدت‌ها که سایه آلمان را بر این نواحی تارودخانه اوراثر سنگین می‌یافت، وضعیت را پس از جنگ تغییر یافته احساس کرد. در گذشته «رودس» در تلاش بود که یک افریقای جنوبی با سلطه کامل تژاد انگلیس به وجود آورد. «بوئا»^{۷۱} چندین سال بعد از ۱۹۱۴ پیروزی بر افریقای جنوبی و سلطه بوئرهارا در سر می‌پروراند و «اسموتز»^{۷۲} سرزمین افریقای جنوبی را یک قطعه از وطن افریکرها^{۷۳} (بوئرهارا) می‌دانست. انگلیسیها نسبت به بوئر بدگمان بودند و با آلمانیها که با آنها همصدایی داشتند و در هنگام جنگ بوئرهارا به کمک آنها شتافته بودند، دشمن بودند.^{۷۳} بریتانیا فکرمی کرد که آلمانیها در راه سلطه بر کاپ

70- A History of Africa P: 500

۷۱- Botha نخست‌وزیر افریقای جنوبی

۷۲- Smuts نخست‌وزیر ویکی از تژادپرستان معروف افریقای جنوبی.

73- Afriknars

۷۴- کشف الماس و طلا در ترانسوال، سرمایه و افراد انگلیسی را چون سیل به این سرزمین سرازیر کرد. ترانسوال اجازه نداد که شرکتها و کارمندان آنها که انگلیسی باشند در این معادن کار کنند. در سال ۱۸۹۵ سیسل رورس در صدد اغتشاش در این منطقه که در دست بوئرهارا بود برآمد که منجر به شکست شد و ویلیام دوم امپراتور آلمان تلگراف معروفی به پل کردگر رئیس جمهوری ترانسوال مخایره و از آن دولت در مقابل انگلستان باشدت حمایت کرد.

هستند تا از آنجا هندوستان را مورد تهدید قرار دهند. بعضی از انگلیسیها گمان می کردند که يك سیستم اجتماعی متشکل از کلنی نشینهای انگلیسی و آلمانی در افریقا، شانس صلح را در اروپا افزایش خواهد داد و قاره افریقا را با پرتغالیها و بلژیکیها که در کنگو (زئیر) جایی برای خود یافته و به قتل عام مردم مشغول بودند تقسیم خواهند کرد. به همین دلیل بود که قتل عام هرروها و ناماها بوسیله آلمانیها از طرف کشورهای اروپایی تاجنگ با آلمان به سکوت برگزار شد.

در نیمه سال ۱۹۱۵، ارتش ۵۰۰۰۰ نفری افریقای جنوبی وارد نامیبیا شد و حکومت افریقای جنوبی سلطه آلمان را بر این ناحیه پایان یافته دانست و اعلام کرد که این بخش جزئی از افریقای جنوبی است و کوشش کرد يك جامعه سفید پوست گسترده در این ناحیه به وجود آورد.^{۷۵} در «کنفرانس ورسای»^{۷۶} در سال ۱۹۱۹ مستعمرات آلمان تحت قیمومت قدرتهای پیروز در جنگ درآمد و اشکال گوناگون قیمومت بر آنها جریان یافت. يك قیمومت از نوع (C)^{۷۷} بدامپراتوری بریتانیا اجازه می داد که سروری خود را بر این ناحیه به اضافه افریقای جنوبی ادامه دهد.^{۷۸} این سیستم از قیمومت در سازمان ملل متحد تحت شماره ۲۲ برای بیست سال آینده سرپرستی را رسمیت قانونی می داد.^{۷۹} قوانین ناهنجار و غیر انسانی آلمان، برای استعمارگران جدید مورد استفاده قرار گرفت. مردان شمال کشور «اوآمبوها» خارج از سرزمین اصلی شان بودند و در همین حال در سال ۱۹۲۲ مردم «بوندلسوارت»^{۸۰} در

75- A history of Africa. P: 500

76- Conférence De Versailles

۷۷- برای اطلاع از این نوع قیمومت رك :

Cornevin. Robert: L' Afrigue. De 1919 A' Nos Jours P. 11-14

78- Le racisme Et L'Apartheid En Afrigue. Australe. P: 160

79- Cornevin. M: Histoire De Afrigue Contemporaine P: 269

80- Bondlswart

ناحیه جنوبی کشور بوسیله هواپیماهای افریقای جنوبی بمباردمان شدند . زیرا حاضر به پرداخت مالیات برای سگهایشان نبودند^{۸۱} و^{۸۲} . سه سال بعد در سرزمین او آمبوها جنبش جدیدی قدرت گرفت و مردم « رهوبوت »^{۸۳} نیز با آنها همصدا شدند و بر علیه افریقای جنوبی به مبارزه پرداختند . مرکز « ای پومبو »^{۸۴} رئیس قبیله « او کو انیاما »^{۸۵} در سرزمین او آمبوها بمباردمان شد . اگرچه موضوع در سازمان ملل مطرح گردید ولی هیچ گونه عکس العملی بوجود نیامد^{۸۶} .

افریقای جنوبی ، ساختمان اجتماعی را که آلمانها ایجاد کرده بودند ، بوسیله قوانین ناهنجار دیگر ادامه داد . با قدرت یافتن آلمان نازی ، بعضی آلمانیهایی که در این ناحیه می زیستند و همچنین بوئر ها از خود تحرکی جدید نشان دادند . در سال ۱۹۳۴ افریقای جنوبی نامیبیا را به عنوان پنجمین ایالت خود « چهار ایالت دیگر عبارت بودند از : کاپ ، ترانسوال ، دولت آزاد اوراثر و ناتال » اعلام داشت . اگرچه سازمان ملل متحد این امر را مورد قبول قرار نداد ولی افریقای جنوبی با موافقت انگلستان با گسترش بیشتری در نامیبیا و تشدید اقدامات خود با آن مقابله کرد .

باقیام « هوسا کوتا کو »^{۸۷} آموزگار و پیشوای مذهبی که بیان می داشت « ما هاررو »^{۸۸} رجعت کرده تا مردم هررورا از بتسوانا به سرزمین اصلی شان برگرداند ، جنبش ، تواناییهای بیشتری پیدا کرد . اما دوری و تبعید « ما هاررو » آن قدر ادامه یافت تا هنگامی که در ۲۶ اوت سال ۱۹۲۳ جسدش

۸۱ - مردم سگ را برای شکار و نگهداری گله ها بکار می بردند.

82- A History of Africa: P. 501

83- Rehoboth

84- Ipumbu

85- Ukwanyama

86- A History of Africa. P: 501

87- Hosea Kutako

88- Maharero

به «او کاهندجا»^{۸۹} آورده شد تا در يك مراسم مذهبی سنتی در قبرستان رؤسای هرروها به خاک سپرده شود. این تاریخ برگشترا مردم نامیبیا در سال ۱۹۶۶ برای آغاز انقلاب خود و جشن ملی انتخاب کردند. کوتا کو در سال ۱۹۰۴ بر ضد آلمانیها جنگیده و زخمی شده بود. او به هرروها و سایر قبایل به صورت يك ملت واحدی نگریست و حاضر به قبول قیمومت افریقای جنوبی و سلطه آن نبود و تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۰ در سن ۱۰۳ سالگی ریاست او بر هرروها از طرف افریقای جنوبی به رسمیت شناخته نشد و فقط عنوان یکی از رؤسا را داشت. اما در تمام سرزمین نامیبیا او را از هنگامی که از شمال به جنوب کوچ کرد و با «سیمون ویت بوئی»^{۹۰} مذاکره کرد، بعنوان يك رهبر ملی می شناختند و ارجحی نهادند.

آپارتهد و نواحی بومی

قاعده و روش قدیمی بوئرها^{۹۱} که طبق آن برابری و مساوات را در کایسا و دولت قبول نداشتند، بعد از این که ناسیونالیستهای افریکانر در سال ۱۹۴۸ در افریقای جنوبی به قدرت رسیدند به مرحله اجرا گذاشته شد و سیاست «آپارتهد»^{۹۲} در جدایی میان سفیدها و سیاهان در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دینی و... چهره نمود تا بتواند چیرگی و سروری سفیدپوستان را بر سیاهان استمرار بخشد. در قوانین اجرایی که در سالهای بعد از ۱۹۴۸ به تصویب رسید، این جدایی نژادی و برتری را بخوبی مورد

89- Okahandja

90- Simon Witbooi

۹۱- هلندیهایی که در افریقای جنوبی ساکن شدند، اندک اندک از خود ملتی پدید آوردند که دیگر خود را هلندی نمی خواندند، بلکه افریکانر یا بوئر می نامیدند. اینان اقتصاد کشاورزی شان را بر تصویری غریب استوار گردانند، این تصور چنین بود که همه افریقاییها بنا به روایت مقداس پسران حام هستند (تورات سفر آفرینش) که از سوی خداوند به بردگی و کار برای آنان گمارده شده اند.

92- Apartheid ، افریکانر بمعنی جدایی و تفکیک نژادی .

توجه قرار داده و در نامیبیا نیز همین سیاست به اجرا گذاشته شد و قدرت قانونی و اداری حکومت افریقای جنوبی در این سرزمین تغییر شکل پیدا کرد و وزیر امور با تو و ادارات مربوط به آن جایگزین وضع اداری سابق شد و نامیبیا تحت انقیاد حکومت مرکزی که بر تمام افریقایها و در هر دو سرزمین مسلط شده بود درآمد^{۹۳}.

افریقای جنوبی خاتمه قیمومت و گذاری سازمان ملل متحد را نپذیرفت و آپارتیید را در نواحی گروهی توسعه بخشید و تحت عنوان «نظم فراوانیها» افریقایها را در هر شکل و صورت تحت انقیاد خود گرفت. طبق سیاست تأسیس «نواحی بومی» یا «نواحی گروهی» و یا «بانتوستان» افریقایها را از ثروت خود جدا کرد و قدرت سیاسی را از آنها گرفت و حدود یک هفتم کشور را به عنوان «زمینهای بومیان» در اختیار آنها نهاد. این زمینها شامل مناطقی می شد که از منابع طبیعی و غنایم زیرزمینی به دور بود و تحت یک قانون ویژه «ملتهای بومی» آنها را در ده منطقه گروهی و خارج از زمینهای خوب کشاورزی و چراگاهها اسکان دادند^{۹۴}.

طبق این قانون هزاران نفر از نامیبیاییها زندگانی و خانه و کاشانه و مایملک دارائی خود را از دست داده و مجبور به تغییر مکان در فاصله های بسیار دور شدند. برای نمونه می توان از واحدهای مسکونی سیاهان در ویندهوک نام برد که از مالکیت سیاه پوستان خارج و مردم را به زور در چند کیلومتر دور از شهر کوچانیدند. در سال ۱۹۵۹ به روی مردمی که از جابجایی خودداری و با آن مخالفت می کردند پلیس تیراندازی کرد که منجر به کشته شدن ۱۲ نفر و زخمی شدن ۵۰ نفر شد. و این بزرگترین حادثه در سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ بود. این کشتار مردم بی دفاع موجب شد که جنبش نظامی نوینی برای آزادی به وجود آید. جنبشی که دیگر به حساب شورش قبایل نمی آمد و ملت نامیبیا در مقابل تژادپرستان افریقای جنوبی قرار

93- A History of Africa. P: 505

94- Lantier Jacques: L. Afrigue Déchiréc P:256

گرفته بودند .
 آپارتهیید در یک شرایط استعماری و استثماری رشدیافت. کشاورزان بوئر که هنگام مهاجرت فاقد زمین بودند ، اکنون از یافتن زمینهای وسیع کشاورزی در این منطقه در اثنای جنگ با انگلستان خوشحال به نظر می رسیدند . کارگران جدید در ادارات و راه آهن پیش از پیش به کار گرفته شدند . حکومت گذشته را از دست نمی داد و سرچشمه های معدنی نهفته در زیر خاک نامیبیا، این کشور را به صورت یکی از غنی ترین کشورها در آورده بود . نامیبیا فقط دارای اهمیت استراتژیکی نیست بلکه غنایم نهفته در آن باعث شده است که مردم این سرزمین بشدت مورد استثمار قرار گرفته و ثروتهای آن بسوی افریقای جنوبی و سایر کشورهای غربی سر ازیر شود .
 الماس و مس به همراه سایر معادن و وجود یک مرز طولانی ۱۳۶۰ کیلومتر دریایی برای صید ماهی ، تولیدات پوست قره گل و حیوانات و فرآورده های آن سبب شده که خورجینهای سفید پوستان افریقای جنوبی و سایر ملل غرب انباشته شود . این دولتها که در بهره برداری از مردم این سرزمین بایکدیگر همکاری می کنند ، عضو سازمان ملل متحد می باشند و این آن علتی است که افریقای جنوبی تا به حال بر اجرای سیاست آپارتهیید خود استوار باقی مانده و از سازمانهای بین المللی اخراج نشده و بایکوتهای اقتصادی و نظامی درباره او بدون اثر بوده است^{۹۵} .
 «طبق قوانین و مقررات اجرایی افریقای جنوب غربی»^{۹۶} سلطه افریقای جنوبی بر این سرزمین تواناییهای بیشتری یافته است . این عمل بوسیله قوانین اجرایی ، قضات ، نیروهای امنیتی و ارتش انجام می گیرد و بایجاد زندانی به بزرگی نامیبیا آنرا تحکیم می بخشند .

یک مجلس قانون گذاری مرکب از سفید پوستان، کشور را اداره می کند.

۹۵- شش کشور اصلی که در آن زمان از افریقای جنوبی طرفداری می کردند و به آن کشور اسلحه می فروختند عبارتند از: امریکا، انگلستان، فرانسه، اسپانیا، پرتغال، آلمان .

96- Le South West Africa Affairs [Act Loi Sur Affaires Du Sud Ouest Africain]

سازمانهای مختلف اداری، قضایی، تعلیم و تربیت و خدمات عمومی بوسیله این برگزیدگان اداره می‌شوند. قدرت در نواحی بومی و راهها ویژه سفید پوستان است. مالیاتهای جوامع، وامها، مالیات بر معادن الماس، مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم فقط به دولت افریقای جنوبی پرداخت می‌شود. با اجرای این مجموعه قوانین نامیبیا بطور کامل به افریقای جنوبی وابسته شده است. با توجه به هدفهای دولت افریقای جنوبی در ایجاد نواحی خودمختار برای «ملتهای بومی» هر یک از این واحدهای بومی دارای یک شورای قانون گذاری جداگانه‌ای شده‌اند که نخستین آن نواحی خودمختار در سال ۱۹۶۹ در سرزمین اوآمبوها به وجود آمد. ایجاد این نواحی طبق قانونی تحت عنوان «هدایت ملتهای عقب مانده افریقای جنوبی بطرف استقلال داخلی»^{۹۷} مصوبه پارلمان افریقای جنوبی در سال ۱۹۶۹ انجام می‌گرفت.^{۹۸}

این قوانین در کمیسیون اودندال، مورد توجه قرار گرفت. بر طبق مصوبات این کمیسیون هر ناحیه بومی از یک گروه نژادی به وجود می‌آمد و حکومت افریقای جنوبی بر تری سفیدها را در این نواحی تضمین می‌کند. کمیسیون ایجاد ده ناحیه گروهی را با کمی استقلال مورد توجه قرار دارد که ساختمان اقتصادی آن تحت سلطه سفیدپوستان باقی می‌ماند و در آخرین مرحله تمام قدرتها در دست دولت افریقای جنوبی بود. تشکیل مناطق بومی باعث می‌شد که ذخیره‌ای برای نژادهای مختلف از نقطه نظر زمین باقی نماند. اگرچه بخشی اندک از هر روهها در خارج از این نواحی زندگی می‌کردند و ادعای مالکیت بر نواحی دیگر را داشتند، اما کمیسیون اودندال پیشنهاد کرد که مساحت کل سرزمینهای سیاه پوستان نباید از ۳۹/۶ درصد خاک نامیبیا تجاوز کند در حالی که در همان حال مجموعه زمینهای سفیدپوستان

97- development of Self-Government for Native Nations of South Africa Act
[Loi Sur L' Evolution Des Nations Indigènes Du Sud. Ouest Africian Vers
L' Autonomie]

98- Le Racisme Et L'Apartheid en Afrigue Australe. P: 165

با توجه به قلت جمعیت ۱۸/۴۴ درصد را شامل می‌شد . هنگامی که این کمیسیون گزارش اولیه خود را در سال ۱۹۴۴ بیان داشت تعداد سفیدپوستان از ۷۳۴۶۴ نفر تجاوز نمی‌کرد ، در حالی که جمعیت سیاه‌پوستان در همین عصر حدود ۴۵۶۵۴۰ نفر بود . پیشنهاد بعدی کمیسیون باعث جابجایی و انتقال گروه‌های عظیم انسانی شد ، ۷۴ درصد هرروها و ۸۶ درصد ناماها و ۹۷ درصد «داماراها»^{۹۹} و ۹۵ درصد بوشیمن‌ها دچار این جابجایی شدند . تابلوی زیر که از طرف سرویس آمار و اطلاعات افریقای جنوبی در ماه مه ۱۹۷۰ منتشر شده است «نواحی بومی» را مشخص می‌کند^{۱۰۰} .

تابلوی مناطق بومی ، نواحی گروهی ، بانقوستان‌ها^{۱۰۱}

نژاد	جمعیت ناحیه	جمعیت کل
OVAMBOS	۲۹۲۲۱۰	۳۴۲۴۵۵
OKAVANGOS	۴۷۶۰۵	۴۹۵۷۷
CAPRIVIEN DELEST	۲۴۹۶۷	۲۵۰۰۹
KOOKOVELOERS	۶۳۸۵	۶۴۶۷
DAMARAS ^{۹۹}	۷۷۳۷	۶۴۹۷۳
HEREROS	۲۶۴۶۰	۴۹۲۰۳
BOSCHIMANS	۶۷۵۷	۲۱۹۰۹
TSWANAS	۸۴۴	۳۷۱۹
DIVERS	۴۳۴۲	۱۴۷۵۶
جمع	۴۲۵۲۷۹	۷۴۶۳۲۸

99- Damara

100- Ibid. P: 166

۱۰۱- برای اطلاع بیشتر رک : A History of Africa P: 510-511

جامعه دورگه نامیبیا نیز دچار مشکلات فراوانی بود و اگرچه از يك شورای مشورتی مرکب از چند عضو بهره‌مند بود ولی قوانین مربوط به سیاهان در باره آنها لازم‌الاجرا بود.

بهره‌وری و استثمار دورگه‌ها و افریقاییها به صورت گسترده ادامه داشت بطوری که حدود ۱۲۰۰۰ بوشیمن چادر نشین و بیابانگرد جمع‌آوری شده و در «تسوسکوه»^{۱۰۲} همچون کارگر به کار گرفته شده بودند.

مطابق گزارشهای کمیسیون اودندال بر طبق قوانین سال ۱۹۷۳ این گروه‌ها جداگانه به سوی استقلال داخلی هدایت می‌شدند. بطوری که ریاست جمهوری و وزیر امور بانتوها و سایر شخصیت‌های کشور ابراز داشته بودند، نواحی گروهی می‌توانند صاحب پرچم ملی باشند و تشریفات آنرا انجام دهند. اما استقلال کامل به آنها داده نخواهد شد. شورای قانون‌گذاری نواحی خودمختار داخلی نمی‌تواند سازمانهای نظامی داشته باشد و بابت خرید اسلحه اقدام کند. سیاست خارجی، امنیت داخلی، سازمانهای اداری، نیروهای پلیس و... در اختیار افریقای جنوبی است. راه آهن، بنادر، راههای طبیعی، هواپیمایی، پول، بانکها، مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، دانشگاهها، ورود و خروج خارجیان نیز با اجازه و تحت نظارت شدید دولت افریقای جنوبی قرار دارد. بنابراین استقلال داخلی کاملاً محدود است. از سوی دیگر کلیه قوانینی که در این شوراها وضع می‌شود باید در پارلمان افریقای جنوبی مورد بحث و تصویب قرار گیرد و به امضای ریاست جمهوری برسد و بعد از آن دارای قابلیت اجرایی است. مجالس ایالتی و محلی نمی‌توانند بدون توجه به مصوبات پارلمان افریقای جنوبی دست به اقدامی بزنند. ریاست جمهوری بر تمام قوانین و مقررات ریاست دارد و بهر صورتی که بخواهد می‌تواند اعمال قدرت کند.

در ۲۷ آوریل ۱۹۷۲ ناحیه اوآمبو به صورت يك ناحیه خودمختار و با

مرکزیت «اونگودی و ا»^{۱۰۳} درآمد. شورای قانون گذاری آن مرکب از ۵۶ عضو بود، هر یک از قبایل هفت گانه مقیم این ناحیه پنج نماینده معرفی می کردند «۳۵ نماینده انتصابی» و سه عضو نیز بوسیله هر یک از این قبایل هفت گانه انتخاب می شدند «۲۱ عضو انتخابی». تمام افراد بالغ که سنشان بیش از ۱۸ سال بود با دریافت کارت شناسایی و کارت الکترال طبق قانون می توانستند در انتخابات شرکت کنند.

قبل از انتخابات اعضای بیست و یک گانه تشکیل هر گونه اجتماعات در او آمبوا غدغن بود (به استثنای خدمات مذهبی، نمایشات سازمانهای دولتی یا رؤسای محلی برای معرفی کاندیدای مورد توجه دولت). شورای دولتی فقط نام افرادی را برای انتخاب شدن می نوشت که مورد تایید افریقای جنوبی قرار گرفته باشند. مقصود این بود که قدرت دولت و سازمانهای محلی آن در سرزمین او آمبوها مستحکم شود و رؤسا و رهبران قبایل به اطاعت باقی بمانند و تمام قوانین بوسیله رؤسای قبایل به اطلاع مردم می رسید.

قدرت رؤسا وابسته به افریقای جنوبی بود که به حساب ساختمان سنتی جامعه گذاشته می شد. در چنین حالتی از نظر عقاید عمومی تمام تشکیلات جنبه قانونی می گرفت و سروری حکومت او آمبو رسمیت می یافت، در حالی که این حکومت قادر نبود. بدون موافقت افریقای جنوبی حتی یک جلسه گردهم آیی تشکیل دهد.

مردم نامیبیا در مقابل این وضع از خود مقاومت نشان دادند. در هنگام انتخابات ۹۷/۵ درصد او آمبوها از دادن رأی خودداری کردند و فقط ۲/۵ درصد در انتخابات شرکت کردند. بایکوت انتخابات ضربه ای شدید بود ولی افریقای جنوبی بکار خود ادامه داد و در چهارم ماه مه ۱۹۷۳ ناحیه «کوانگو»^{۱۰۴} نیز به صورت یک ناحیه خودمختار با مرکزیت «روندو»^{۱۰۵} درآمد. شورای آن در حالی تشکیل شد که با تمام کوششها فقط نیمی از

103- Ong Wediva

104- Kvango

105- Rundu

نمایندگان انتخاب شده بودند . ناحیه کوانگو منطقه‌ای است که «سواپو» و سایر احزاب مخالف در آن فعالیت چندانی ندارند و هیچ حزب سیاسی با هر ایدئولوژی در آن وجود نداشت . انتخابات با شرکت ۶۶/۲ درصد مردم طبق بیانیه دولت افریقای جنوبی انجام یافت .

افریقای جنوبی به سازمان ملل متحد قول داده بود که یک شورای مشورتی برای حل مسأله نامیبیا در سال ۱۹۷۲ به وجود آورد . اعضای این شور باید بوسیله شورای قانون گذاری افریقایها که بوسیله بانتوها انتخاب می‌شوند برگزیده شود و دورگه‌ها و سفیدپوستان نیز در آن شرکت داشته باشند . اما برگزیدگان سیاه پوست در محدودیت کامل می‌باشند و قدرت بانتوها نیز در دست دولت است . برای اطمینان از ایجاد چنین شورایی رهبران هرروها در مشرق برگزیده شدند . ناحیه‌ای کاملاً محافظه کار . ناماها هیچ نماینده‌ای اعزام نداشتند و «کائکولاند»^{۱۰۶} نیز هیچ فردی را معرفی نکرد و رئیس «مباندروها»^{۱۰۷} نیز استعفاء کرد و دورگه‌ها نیز نمایندگان خود را از این شورا بیرون کشیدند^{۱۰۸} .

مقاومت

جنبش ملی توسط رهبران سنتی مانند «هرسه آ کوتا کو» رئیس قبیله هرروها و «ساموئل ویت بوی»^{۱۰۹} رئیس قبیله ناما بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد . بعد از جنگ بین الملل اول سازمان ملل متحد به سلطه افریقای جنوبی بر این نواحی جنبه قانونی داد ولی در سرزمینهای هرروها و اوآمبوها جنبش علیه اشغال کشور شروع و ناراضیهای سلطه افریقای جنوبی ، یک

106- Kaokoland

107- Mbandero

108- Le rasisme et L'Apartheid en Afrigue Australe. P: 167

109- Samuel Witbooi

جهت شدند^{۱۱۰}

حکومت‌های جدید که جانشین دولتهای استعماری در آسیا و آفریقا می‌شد، قدرت بزرگی را در سازمان ملل تحت‌عنوان قدرت آسیا - آفریقا به‌وجود آوردند که در جنبش مردم نامیبیا تأثیر مستقیم داشت و ابعاد جدیدی را در وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور گشود.

جنبشهایی که تا سال ۱۹۵۰ توانسته بودند به‌حیات خود ادامه دهند، بسرعت جنبه ناسیونالیستی گرفتند. نامیبیاییهایی که بعنوان کارگر به کاپ برده شده بودند بعد از اطلاع از برخورد پلیس با مردم «به‌خصوص پس از واقعه ویندهوک در سال ۱۹۵۹» شروع به عملیاتی از محل کار خود کردند که موجب بازداشت و تبعید بعضی از آنها شد.

نامیبیایی‌هایی که به‌سایر کشورها برای ادامه تحصیل رفته بودند، به‌صورت مهاجران سیاسی درآمدند و با وجود داشتن عقاید متنوع سیاسی در سازمان ملل واحد عمل کردند و عریضه‌ای به آن سازمان داده و چگونگی وضعیت این سرزمین را در تمام ابعاد مشخص کردند.

نمایندگان احزاب جدید در سازمان وحدت آفریقا مسأله نامیبیا را مورد توجه قرار دادند و در سال ۱۹۶۳ آن را به‌بحث کشاندند و به‌سایر سازمانهای بین‌المللی نیز گسترش دادند و بعد از این که دادگاه بین‌المللی از قبول اقدامات آفریقای جنوبی در سال ۱۹۶۶ در نامیبیا امتناع می‌کند، یکی از احزاب نامیبیا بنام (سازمان مردم آفریقای جنوبی)^{۱۱۱} سوآپو^{۱۱۲} که رهبران آن به‌صورت تبعید در تانزانیا زندگی می‌کنند مجدداً به این سازمان شکایت برده و جنگجویان آن در سال ۱۹۶۶ به‌شمال نامیبیا حمله‌ور شدند و با وجود عملیات نظامی آفریقای جنوبی و دخالت مستقیم آن دولت نفوذ پارتیزانها گسترش یافت.

110- Ibid. P: 168

111- L' Organisation Populaire Du Sud-Ouest-African

112- S. W. A. P. O

نخستین سازمانهای ملی، سیاسی در نامیبیا عبارت بودند از سازمان خلق او آمبو»^{۱۱۳} و «اتحادیه ملی افریقای جنوب غربی»^{۱۱۴} که در سالهای ۱۹۵۹ به وجود آمدند. سازمان خلق او آمبو بعداً تغییر نام داد و به «سازمان خلق افریقای جنوب غربی» معروف شد. در سال ۱۹۶۳ چندین سازمان کوچک دیگر به اتحادیه ملی افریقای جنوب غربی پیوستند و «جبهه آزادیبخش ملی افریقای جنوب غربی»^{۱۱۵} را تشکیل دادند.^{۱۱۶}

در سال ۱۹۵۹ «سام نجوم»^{۱۱۷} و «ژاکوب کوهانگوا»^{۱۱۸} به تجدید سازمان «اپو»^{۱۱۹} پرداختند، زیرا سازمان خلق او آمبو (اپو) بعد از زندانی و اخراج «توایوو یا توایوو» قهرمان ملی نامیبیا از فعالیتش کاسته شده بود.

در سال ۱۹۷۰ این سازمان با جبهه آزادیبخش ملی افریقای جنوب غربی متحد شده و «جبهه آزادیبخش نامیبیا»^{۱۲۰} را بوجود آوردند.^{۱۲۱} پیکره اصلی سواپورا نیروهای آگاه و مبارز کارگران معادن و کارگران مزارع کشاورزی چه در داخل و چه در خارج کشور و همچنین رهبران سنتی و ملی و روشنفکران و تحصیل کرده های پیشرو و روحانیون مترقی کلیسا، بخصوص کشیشهای سیاه پوست مانند اسقف لئونارد انوالد تشکیل می دهند. هدفهای سواپو طبق تصمیمات کمیته مرکزی که در ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۶ در «لوزاکا»^{۱۲۲} تشکیل شد عبارت است از:

113- Ovambo People's Organisation

114- South-West African National Union

115- South-West African National Liberation

۱۱۶- براگینسکی، بیداری افریقا، ص ۲۵۱.

117- Sam Nujoma

118- Jacob Kuhungua

119- Opo

120- South-West Africa People Organisation

121- Favrod. Charles-Henri. L'Afrige Noire. P-196

122- Lusaka

- ۱- نبرد بدون وقفه برای آزادی کامل و فوری نامیبیا .
 - ۲- اتحاد تمام مردم نامیبیا قطع نظر از تعلق نژادی، جنسی و قومی .
 - ۳- توسعه روح ملی و داشتن سر نوشت مشترك .
 - ۴- مبارزه علیه فردگرایی، قبیله گرایی و نژادپرستی
 - ۵- همکاری با تمام سازمانهای آزادیبخش ملی و حکومتهای مترقی برای حذف کامل نظام امپریالیستی .
 - ۶- برقراری حکومت دمکراتیک .
 - ۷- حاکمیت مردم بر منابع کشور .
 - ۸- کوشش در راه ایجاد جامعه‌ای بدون از استثمار انسان از انسان .
 - ۹- کوشش در راه وحدت افریقا .
- در کنگره‌های ویندهوک (۱۹۶۶) و «تانگا»^{۱۲۳} مبارزه مسلحانه بعنوان عالیترین شیوه پیکار آزادیبخش ارزیابی و مورد قبول سواپو قرار گرفت. یکی از بنیادگذاران سواپو «توایوو یا توایوو»^{۱۲۴} باسی و هشت نفر دیگر از اعضای این سازمان به اسارت افریقای جنوبی درآمدند و در سال ۱۹۶۸ در پرتوریا، به عنوان تروریست به محاکمه کشیده شدند. آخرین نطق «توایوو یا توایوو» در دادگاه پاسخ مردم نامیبیا به افریقای جنوبی محسوب می‌شود. او بیان می‌دارد:

«ما نامیبیایی هستیم نه افریقای جنوبی و ما قانون شما را به رسمیت نمی‌شناسیم و هرگز احکام دولت شما را قبول نداریم، افریقای جنوبی نمی‌تواند قوانین خود را بر ما حاکم گرداند و ما هیچ سؤال را پاسخ نخواهیم داد. شما هی اندیشید کشور من در مالکیت شماست و ما را چون نوکران به دادگاه فرامی‌خوانید. ما همیشه افریقای جنوبی را همانند غاصب به حساب می‌آوریم و ادامه می‌دهد، این حق مردم است که اسلحه بدست گیرند و می‌افزاید می‌دانیم که جنگ طولانی است و من می‌گویم مردم من خواهان

123- Tanga

124- Herman Toivo Yatoivo

صلاح هستند و این صلح به دست نخواهد آمد مگر هنگامی که استقلال حاصل شود و آن وقت جنگ پایان خواهد یافت و این تنها راهی است که ما شأن، مقام و ارزش مردم خود را بدست خواهیم آورد».

به علت فشار افکار عمومی، افریقایی جنوبی نتوانست هیچ یک از آنها را به مرگ محکوم کند. اما بیست و یک تن از آنها را به جزیره «روبن»^{۱۲۵} فرستاد تا بقیه زندگی خود را در آن جهنم بگذرانند. توایوو که عهده دار هیچ یک از حملات نظامی بطور مستقیم نبود و او را در همان سال در محل اقامتش دستگیر کرده بودند به ۱۵ سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد.

برای به دست آوردن استقلال، نامیبیایی ها بر روی عملیات نظامی تکیه می کنند ولی حرکات سیاسی را در کنار آن ادامه می دهند. پارتیزانها در شمال و دفترهای سیاسی در دارالسلام^{۱۲۶}، لوزاکا^{۱۲۷}، قاهره، الجزیره، لندن، استکهلم، هلسینکی و نیویورک به کار خود ادامه می دهند و با افزایش تعداد دانشجویان، این دفاتر تواناییهای بیشتری به دست می آورند.

بیش از پانصد تن نماینده از جوامع مذهبی، سندیکاهای، احزاب و جنبشهای سیاسی کشورهای مختلف در کنفرانس بین المللی مسأله نامیبیا که سوایو از ۲۶ تا ۲۸ ماه مه سال ۱۹۷۲ در بروکسل سازمان داده بود شرکت کردند. کنفرانس برنامه دوازده ماده ای را پذیرفت که در آن بایکوت کردن وضعیتهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دیپلماتیکی و ورزشی افریقایی جنوبی در نظر گرفته شده بود^{۱۲۸}.

کنفرانس اطلاعات مهمی روی اقدام پارتیزانهای سوایو دریافت داشت. عملیات به ویژه در کاپری وی درخشان بود و اقدامات پارتیزانها و گروههای سیاسی در بنادر و مراکز استخراج معادن وضع را تغییر داده بود. روزنامه طرفدار دولت Die Vaderland نوشت «بعد از مرگ دو پلیس در سال ۱۹۷۱

125- Robben

126- Dar Essalaam پایتخت تانزانیا

۱۲۷- لوزاکا، پایتخت زامبیا.

128- Le Racisme Et L'Apartheid En Afrigue Austerale. P: 169

برخوردها گسترش یافته و سروری و برتری سفیدپوستان در افریقای جنوب غربی مورد سؤال قرار گرفته است» مسأله تروریسم نیز وسیله‌ای برای اقدامات شدید افریقای جنوبی شده که بتواند سروری سفیدپوستان را تحت عنوان مقابله با تروریسم گسترش بیشتری دهد.

با توسعه جنبش، حکومت افریقای جنوبی مسأله‌ها را با اهمیت فوق‌العاده‌ای مورد توجه قرار داد و نیروهای نظامی و پلیس را در نواحی شمال کاملاً فعال کرد و یک پایگاه نظامی - هوایی در «کاتیما مولی لو» و یک مرکز اداری تجسی در «رونیدی» ایجاد کرد و در مراکز برق و شبکه‌های آن بخصوص در مراکز نیروهای برق‌نیدرو الکتریک «رواکانکا»^{۱۲۹} نیروی رودخانه کونن پوشش حفاظتی و امنیتی ویژه‌ای سازمان داد.

مرز طولانی نامیبیا با آنگولا «موضوعی که بارها سبب شده افریقای جنوبی به آنگولا تحت عنوان سرکوبی مراکز تروریستها حمله‌ور شود» و باند کاپری وی و مرز بتسوانا «کشوری است مستقل و نسبت به جنبش آزادیخواهان موافق، اما اجازه نمی‌دهد کشور مرکز وی پایگاه پارتیزانها شود» مورد حفاظت شدید قرار گرفت.

برخوردهای اصلی بین نیروهای سواپو و امنیتی افریقای جنوبی در مشرق باند کاپری وی^{۱۳۰} انجام می‌گیرد و به‌مراه آن در طول رودخانه اوکاوانگو در سرزمین اوامبوها شدت می‌یابد. کماندوهای سواپو بیان می‌کنند که آنها از «اومگولومباشی»^{۱۳۱} به مناطق تحت حفاظت افریقای جنوبی نفوذ می‌کنند. در سال ۱۹۶۷ یکی از رهبران آنها بنام «توبی اس» هاینکو^{۱۳۲} که در یک برخورد شدید به‌مراه بیست تن از همراهانش در کاپری وی کشته شده بود جسدش در زامبیا با تشریفات بجا سپرده شد.

129- Ruacanica

130- Caprivi Strip

131- Omgulumbashe

132- Tobias Hainyeko

احزاب کوچک نامیبیا عبارتند از «اتحادیه ملی افریقای جنوب غربی» SWanu که یکی از رهبران آن «گوسن وی»^{۱۳۳} در جزیره روبن زندانی است، (جبهه ملی افریقای جنوب غربی)^{۱۳۴} SWanf که دارای دو گروه کوچک در خارج کشور است^{۱۳۵}، «سازمان اتحادیه ملی دمکراتیک»^{۱۳۶} Nudo که رؤسای هر روه با آن همراهی می کنند و کسانی مانند «کوتا کو»^{۱۳۷} و «کلمنس کاپو وو»^{۱۳۸} که تحت هیچ شرایطی افریقای جنوبی را قبول ندارند با آن همکاری دارند.

بعضی سازمانهای مذهبی و سیاسی دیگر مانند گروه دیتوبی، گروه هواچاتاس، گروه زال گراس، «کمیته ناما»^{۱۳۹} یاملت سرخ و «حزب مردم وهوبوت»^{۱۴۰} که محلی می باشند نیز وجود دارند^{۱۴۱} مخالفان در کلیساها خودی نشان داده و در اردوگاههای کارگری، بنادر، معادن و شورای قانون گذاری نواحی بومی مخالفت خود را علنی کرده اند. بسیاری از رهبران نامیبیا از این که آزادی برای مخالفت مستقیم با سفیدها وجود ندارد متأسف می باشند. اگرچه ممکن است مخالفت آنها برای چندسالی مخفی بماند و عملاً چیزی از خود نشان ندهند ولی در بین تمام آنها حس مقابله با افریقای جنوبی عمومیت دارد. در سال ۱۹۷۱ کاخ دادگستری بین المللی اشغال نامیبیا را غیرقانونی دانست اما افریقای جنوبی به آن پاسخی نداد و هیچ گونه مذاکره ای با رؤسای محلی و یامراکز بومی نکرد.

133- Gerson Weii

134- South West African National Front

135- Cornevin. M: Histoire De Afrigue Contemporaine. P: 270

136- National Unity Democratic Organisation

137- Kutako

138- Clemens Kapuuo

139- Comitenama

140- Le Rhobouth People's Partu

سازمانهای کارگری در قسمتهای مختلف از خود فعالیتی نشان داده اند. «سازمان کارگران افریقای جنوبی»^{۱۴۲} Swania در پایان سال ۱۹۷۱ جنبشی عظیم بر علیه سیستم کار و قراردادهای کارگری به وجود آورد. زیرا این سیستم و قراردادها کارگری جز و مظاهر آپارتیهداست. تمام کارگران نامیبیایی تقاضا کردند که تشکیلاتی برای بهداشت و سلامتی آنها ایجاد شود و مدت قراردادهای نیز برای دوازده یا ده ماه باشد.

طبق قانون کار، کارگران نمی توانستند هنگام کار با خانواده خود باشند و باید در اردوگاههای جداگانه بسر می بردند و مزدی معادل چهار لیره استرلینگ دریافت می کردند. در صورت کار در معادن این مبلغ به پنج لیره افزایش می یافت. اعتصاب در معادن موجب شد که تصمیمات شدید اتخاذ شود و در نیمه ژانویه ۱۹۷۲ بیست هزار کارگر کار خود را ترك کردند و در نتیجه فعالیتهای اقتصادی دچار بی نظمی شد. اگرچه اعتصاب کنندگان از سرزمین او آمبو بودند ولی تمام مردم کشور با آنها همراهی کردند.

وزیر امور بانگوی افریقای جنوبی کارگران را فراخواند. که باشورای مشورتی قانون گذاری او آمبو برای سیستم کار و دوران قراردادهای مشورت کنند اما نتیجهای به دست نیامد. دوازده کارگری که مشغول کار شده بودند، مجبور به ترك کار و تنبیه شدند.

سرانجام دولت وضعیت غیر عادی در شمال اعلام کرد و سانسور شدیدی بر تمام رسانه های عمومی برقرار ساخت و کشتار و توقیف جمعی شروع شد که با مقاومت همراه بود. بسیاری از کارگران مجبور شدند در حالی کار خود را از سر گیرند که هیچ تغییری به وجود نیامده بود.

نه جنبش مخالف به همراه «سواپو» و «سوانو» و حزب مردم و هو بوت يك کنوانسیون ملی به وجود آوردند و برای اولین بار بزرگترین اجتماع سیاسی تاریخ نامیبیا را سازمان دادند. این گردهمایی در اردوگاه

142- La South West African Native Labour Association [Assosiation Dela Main-D' Oeuvre Indigène Du Sud-Ouest Africain]

«کاتاتورا»^{۱۴۳} در ویندهوک در ماه مارس ۱۹۷۳ قبل از این که «ورستر»^{۱۴۴} نخست وزیر افریقای جنوبی بتواند نخستین اجتماع شورای مشورتی افریقای جنوبی را که بوسیله دولت سازمان داده شده بود تشکیل دهد، شروع به کار کرد. در اوت همان سال تظاهرات در «کاتاتورا» با دخالت ارا به های جنگی خاتمه پذیرفت.

در نوامبر ۱۹۷۳ سه نفر از اعضای «جنبش جوانان»^{۱۴۵} سواپو به همراه معاون رئیس آن با توجه به قوانین تحت عنوان خرابکار به هشت سال زندان محکوم شدند. درسامبر همان سال سواپو یک کنفرانس سه روزه را در نامیبیا سازمان داد که حکومت دبارزه با آن را تشدید کرد. در سال ۱۹۷۴ در بین افرادی که توقیف شدند «مرورو»^{۱۴۶} یکی از رهبران سواپو و همچنین رهبر سازمان جوانان آن وجود داشت که موجب تشدید برخوردها شد. در اواخر سال ۱۹۷۴ سواپو از طرف مجامع رسمی و بین المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان وحدت افریقا بعنوان تنها نماینده قانونی مردم نامیبیا بر رسمیت شناخته شد و در سال ۱۹۷۷ در این سازمانها همچون نماینده یک دولت مورد پذیرش قرار گرفت^{۱۴۷ و ۱۴۸}.

کرنولوژی تاریخی نامیبیا

۱۴۸۴ - م : کاشف پرتغالی دیگو کائو Diego-gao سواحل نامیبیا

143- Katatura

144- Vorster

145- Youth League [Mouvement De Jeunesse]

146- Meroro

147- Favrod. Charles-Henri: L'Afrigue Noire. P:197

۱۴۸ - برای اطلاع از کلیه اقدامات سازمان ملل متحد درباره نامیبیا رک :

A History of Africa. P: 513-515

Le racisme Et L'Apartheid en Afrigue Australe. P: 162-163

را کشف و چندتن از مردم محلی را دزدید .

۱۷۸۲: اروپائیان ایالت کاپ معادن آهن و مس «دومارا»

Dumara را مورد توجه قرار داده و او آمبواها را در

معادن مس «تسومب» Tsumeb به کار می گیرند.

۱۸۳۰ - ۱۸۲۰: بافتوها و بوئرهای ایالت کاپ را بسوی شمال ترک می کنند

۱۸۵۰: جانگرافریکاندر رئیس ناماها با هرروها می جنگد

۱۸۷۰ - ۱۸۶۲: ادامه جنگهای ناماها و هرروها .

۱۸۶۸: ورود يك كمیته انگلیسی از کاپ .

۱۸۷۶: مهاجرت بوئرهای به شمال شرقی نامیبیا

۱۸۷۸: انگلستان خلیج والویس را به مستملکات خود در افریقای

جنوبی ضمیمه می کند.

۱۸۸۳: با خرید خلیج «لوی لری تر» Luderitz Bay بوسیله يك

تاجر آلمانی، ناحیه در سال ۱۸۸۴ ضمیمه مستملکات آلمان

می شود

۱۸۸۵ - ۱۸۸۴: کنفرانس برلین نامیبیا را جزو متصرفات آلمان محسوب

می دارد

۱۸۸۸: ماهارو رئیس هرروهای نیروهای آلمان را از پایتخت

بیرون می راند .

۱۸۸۹: ورود نخستین نیروهای نظامی آلمان

۱۸۹۰: الحاق قطعی این نواحی به آلمان .

۱۸۹۲: کشتار جمعی ناماها بوسیله نیروهای نظامی آلمان .

۱۸۹۴: نخستین شکست ناماها موجب بروز انقلاب هرروها می شود.

۱۸۹۶: انقلاب و طغیان مجدد ناماها

۱۸۹۷: طاعون گاوی نودوپنجم درصد دامهای هرروها را نابود

می کند.

۱۹۰۷ - ۱۹۰۳: قیام مجدد ناماها و هرروها . بیش از ۷۰ درصد هرروها و

- ۶۰ درصد ناماها بقتل می‌رسند .
- ۱۹۰۴: او آمبوها یك ارتش پرتغال را در ناحیه Naulila در هم می‌شکنند و ۳۵۰ سرباز را می‌کشند .
- ۱۹۰۸: کشف الماس، مهاجرت جدیدی را به این نواحی سبب می‌شود و کلنی‌نشینهای جدیدی به وجود می‌آید
- ۱۹۱۴: آغاز نخستین جنگ جهانی، او آمبوها توسط پادشاه جدید خود «ماندوم» Mandume سازمان می‌یابند و برای بیرون‌راندن او یك ارتش آلمان شروع به اقدام می‌کند
- ۱۹۱۵: مداخلات افریقای جنوبی که منجر به شکست آلمانیها می‌شود .
- ۱۹۱۶: پرتغالیها به «ماندوم» حمله ور می‌شوند .
- ۱۹۱۷: پادشاه ماندوم بوسیله افریقای جنوبی مورد حمله قرار می‌گیرد و در جنگ کشته می‌شود .
- ۱۹۱۹: سازمان ملل متحد موافقت می‌کند که افریقای جنوب غربی تحت قیمومت افریقای جنوبی قرار گیرد
- ۱۹۲۱: افریقای جنوبی اعضای يك مجلس مشورتی را انتخاب می‌کند .
- ۱۹۲۲: افریقای جنوبی به ایجاد مناطق ذخیره می‌پردازد و زمینها را بین کلنیها تقسیم می‌کند. ناماها که حاضر بد پرداخت مالیات سگها نشده‌اند بسختی بمباردمان می‌شوند .
- ۱۹۲۳: رهوبوتها تغییراتی را در جامعه خود پذیرا می‌شوند .
- ۱۹۲۵: آفرینش يك شورای قانون گذاری که منتخبان آن سفید-پوست هستند
- ۱۹۳۲: نیروی هوایی و واحدهای زرهی افریقای جنوبی دهکده رئیس Tjumbu را نابود می‌کنند .
- ۱۹۴۵: افریقای جنوبی از سازمان ملل تقاضای واگذاری نامیبیا را می‌کند .

- ۱۹۴۶: امتناع سازمان ملل از واگذاری نامیبیا .
- ۱۹۵۰: دیوان بین‌المللی برای دادن آزادی به نامیبیا تصمیم می‌گیرد .
- ۱۹۵۹: تظاهرات بر علیه جابجایی جمعیت در ویندهوک و کشتار مردم .
- ۱۹۶۰: کشورهای افریقایی از دیوان بین‌المللی می‌خواهند که به قیمومت خود و همچنین آپارتیید خاتمه دهد .
- ۱۹۶۶: دیوان بین‌المللی اقدام افریقایی جنوبی را در انضمام نامیبیا غیر قانونی می‌شمارد . در ۲۶ اوت سواپو یک جنبش مسلحانه را اعلام می‌دارد و سازمان ملل متحد پایان قیمومت را به اطلاع می‌رساند .
- ۱۹۶۸: سی‌وهشت عضو سواپو که در میان آنها «تواوو» نیز می‌باشد به محاکمه کشیده می‌شوند .
- ۱۹۷۰: مرگ کوتاکو در سن ۱۰۳ سالگی .
- ۱۹۷۱: سازمان ملل سلطه افریقایی جنوبی را بر نامیبیا غیر قانونی می‌داند
- ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲: زندگی اقتصادی دچار آشفتگی بزرگی در یک دوره اعتصاب می‌شود
- ۱۹۷۲: دبیر کل سازمان ملل به مذاکره با افریقایی جنوبی می‌پردازد و اعلام می‌کند که افریقایی جنوبی باید استقلال نامیبیا را هرچه زودتر اعلام کند
- ۱۹۷۴: سواپو از طرف مجامع رسمی و بین‌المللی به عنوان نماینده قانونی نامیبیا شناخته می‌شود .
- ۱۹۷۵: با وجود قانون منع فروش اسلحه از طرف سازمان ملل متحد به افریقایی جنوبی . کشورهای غربی به ارسال اسلحه ادامه می‌دهند

۱۹۷۷: سوایو در سازمانهای بین المللی همانند یک دولت شرکت می کند .

۱۹۷۸: اغتشاشات و تظاهرات در سراسر نواحی شمالی .

منابع فارسی

- ۱- براگینسکی. م : بیداری افریقا، ترجمه ج. علوی ، ا. ح. رضوانی ، انتشارات حقیقت تهران، تیریز چاپ دوم مهر ۱۳۵۲
- ۲- بزیل. دیویدسن : افریقا تاریخ یک قاره ، ترجمه هرمزریاحی ، فرشته مولوی ، تهران، امیرکبیر ۱۳۵۸ .
- ۳- حداد - جمال : نامییا و سازمان ملل متحد، مجله حقوق بشر، دوره دوم، شماره های ۷ و ۸ و ۹، تیر. مهر. دی ۱۳۵۱ .

منابع خارجی

- 1- A Histotry of Africa
U.S.S.R. Academy of Sciences. Institute of Africa. 1968
- 2- Bonn. Gisela: Lafrigue Guitte Labrousse. Paris. 1966
- 3- Collins. Graphic Atlas. U.K London 1967
- 4- Cornevin. R. M: Histoire De L'Afrigue Des Origines A' La 2 e Guerre Mondiale. Paris 1967
- 5- Cornevin. M: Histoirre de L' Afrigue. Conte- Mporaine (Dela Deuxième Guerre Mondiale A' Nos Jours) Paris, Payot. 1972
- 6- Cornevin. R: L'Afrigue Noire de 1979 A' Nos Jours: Presse Universitaires, Paris 1973
- 7- Favrod. Charles-Henri: L'Afrigue Noirg [Encyclopédie du Monoe Actuel] Paris 1977
- 8- Le nouvel Observateur. Atlasco. 1978
- 9- Lantier. Jacgues: L'Afrigue Déchirée Edition Planete. Paris. 1967 p
- 10- Le Racisme Et L'Apartheid en Afrigue Australe. Les Presses de L'Unesco Paris. 1975
- 11- Petit Larousse. Paris 1977
- 12- Walter. Lagueur: A Dictionary of Politics U-K. London. 1973

۱۹۷۷: سوایو در سازمانهای بین المللی همانند یک دولت شرکت

می کند .

۱۹۷۸: اغتشاشات و تظاهرات در سراسر نواحی شمالی .

منابع فارسی

- ۱- براگینسکی. م : بیداری افریقا، ترجمه ج. علوی ، ا. ح. رضوانی ، انتشارات حقیقت تهران، تبریز چاپ دوم مهر ۱۳۵۲
- ۲- بزیل. دیویدسن : افریقا تاریخ یک قاره ، ترجمه هرمزریاحی ، فرشته مولوی ، تهران ، امیر کبیر ۱۳۵۸ .
- ۳- حداد - جمال : نامی بیا و سازمان ملل متحد، مجله حقوق بشر، دوره دوم، شماره های ۷ و ۸ و ۹، تیر. مهر. دی ۱۳۵۱ .

منابع خارجی

- 1- A Histotry of Africa
U.S.S.R. Academy of Sciences. Institute of Africa. 1968
- 2- Bonn. Gisela: Lafrigue Guitte Labrousse. Paris. 1966
- 3- Collins. Graphic Atlas. U.K London 1967
- 4- Cornevin. R. M: Histoire De L'Afrigue Des Origines A' La 2 e Guerre Mondiale. Paris 1967
- 5- Cornevin. M: Histoirre de L' Afrigue. Conte- Mporaine (Dela Deuxième Guerre Mondiale A' Nos Jours) Paris, Payot. 1972
- 6- Cornevin. R: L'Afrigue Noire de 1979 A' Nos Jours: Presse Universitaires, Paris 1973
- 7- Favrod. Charles-Henri: L'Afrigue Noirg [Encyclopédie du Monoe Actuel] Paris 1977
- 8- Le nouvel Observateur. Atlasco. 1978
- 9- Lantier. Jacgues: L'Afrigue Déchirée Edition Planete. Paris. 1967 p
- 10- Le Racisme Et L'Apartheid en Afrigue Australe. Les Presses de L'Unesco Paris. 1975
- 11- Petit Larousse. Paris 1977
- 12- Walter. Lagueur: A Dictionary of Politics U-K. London. 1973